

میزگرد رادیو همبستگی

## نگاهی به جنبش های اجتماعی در ایران

با حضور مریم خراسانی، محسن حکیمی و مازیار رازی

### ۱- در باره مسئله کارگری

**سؤال:** خانم مریم خراسانی در سال ۲۰۰۵ مسئله ی تغییر دولت در ایران وجود داشت و برنامه هائی که کاندیداهای مختلف روی آن مانور می کردند می خواستم ببینم این برنامه ها و عده های کاندیداهای مختلف تا چه حد توانست مطالبات کارگری و دانشجویی را تحت شعاع قرار دهد و اساساً دانشجویان، کارگران و جنبش زنان به این بازی قدرت کشیده شدند یا نه نظاره گر این واقعه بودند؟

**مریم خراسانی**

**جواب:** مسائل جنبش کارگری در سال پیش بدنبال مسائل سال های اخیر همچنان مطرح است و متناسب با سطوح مختلف آگاهی های کارگران درخواست های مختلفی وجود دارد. از جمله این که در محافظه کارترین و اقتدارگراترین لایه های این جنبش مثل بقیه جنبش ها، در ایران و سایر کشورها نمایندگان اقتدارگری خواهان ورود به مجلس بودند و همین طور طرح مسئله ی پارلمان کارگری که در کنار پارلمان دانشجویی و پارلمان زنان و پارلمان.... مطرح بود و همچنان هست. کارگران به

هرحال یک نماینده در مجلس دارند که متناسب با سایر نماینده ها در مجلس به لایه های اقتدارگرای گروه های مختلف اجتماعی مربوط است.

در لایه های میانی تر و در خواست های صنفی کارگران برای مطالبات موقعه ی خود مانند حقوق عقب افتاده و قراردادهای موقت کار و تنظیم آئین نامه های مربوط به قراردادهای موقت کار و مبارزه علیه پیمانکاری که بدترین نوع کار است که کارگران به شکل روزمزد به کار گمارده می شوند و این درخواست های صنفی و محدود به خود کارگران به نظر من لایه های میانی را تشکیل می دهند و در لایه های بالایی تر مسئله ی اداره ی کارخانه ها توسط کارگران مطرح شده که از ۱۱ محور کارگری در شهر تهران بعضی محورهای غرب در بعضی کارخانه ها کارگران مسئله ی اداره ی کارخانه را طرح کردند و اکنون چند کارخانه در شرایط بحران فعلی بدست کارگران و شورای کارگری اداره می شود و بعضی از این نمایندگان کارگری در بعضی از این کارخانه ها موفق شده اند که از طرف کارخانه که به شکل خودگردانی اداره می شود در غیاب کارفرمای دولتی و کارفرمای خصوصی خود قرارداد ببندند.

در حال حال این نمونه های بالاترین درخواست های کارگری در میان کارگران ایران کمتر وجود دارد و بیشترین تقاضاها مربوط به قشر میانی است، ولی به هر حال چشم اندازی که باز شده این امکان بوجود آمده که در بحران مالکیت و بحران تولید فعلی و در غیاب کارآمدی از طرف بخش خصوصی و هم بخش دولتی کارگران کم کم به این فکر بیافتند که سهام کارخانه ها را بگیرند و یا اداره ی کارخانه ها را به عهده بگیرند که البته تجارب کارگران در مقطع انقلاب و تجارب کارگران جهان در این مقطع به این مسئله یاری رسانده.

و اما در مورد وضعیت دولت جدید در رابطه با شرکت های کارگری کار تازه ای نکرده و سیاست های خود را مشخص بیان نکرده و نمایندگان کارگران با یک وضعیت بلاتکلیفی مواجه هستند و حتی در مورد اضافه دستمزد سال آینده هم تحرک خاصی کارگران انجام دادند از جمله در آبان ماه گذشته حدود ۴۰۰ نماینده کارگری در

اصفهان تشکیل جلسه دادند و به وزارت کار هم اطلاع دادند که اگر می خواهد می تواند نماینده ی خود را در این جلسه بفرستد اما وزارت کار امتناع کرد از پذیرش این مسئله و آن ۴۰۰ نماینده کارگری انتخابات کانون شوراهای تهران را انجام دادند. اما در سطح انتخابات کانون شوراهای استان تهران عملاً کارشکنی شد از سوی وزارت کار و نگذاشتند این انتخابات برگزار شود که قرار بود حدود ۲ هفته پیش برگزار شود که این اتفاق نیفتاد.

تحلیل کارگران از این مسئله این است که چون مسئله ی اضافه حقوق شب عید هرسال که برای بودجه بندی سال آینده ی کارگری از طرف نماینده های کارگران اعمال می شود، این ها را تا ۳ ماه دیگر نگه دارند و انتخابات برگزار نشود تا مسئله ی افزایش حقوق شب عید هم با توافق از طرف وزارت کار و این نماینده ها که با دولت همسو هستند زمان آن بگذرد. به هر حال باید دید که تا عید چه اتفاقی خواهد افتاد.

البته شایعاتی هست که دولت فعلی در نظر دارد که مسئله ی شوراهای را ملغی کند و در یک اصلاحیه ای که از طرف خود می خواهد روی قانون کار بنویسد لغو شوراهای را هم در کنار لغو سندیکاها اعمال کند و مسئله ی انجمن های صنفی را طرح نماید.

**سؤال:** آقای محسن حکیمی آن چیزی که در جنبش کارگری سال ۲۰۰۵ بسیار به چشم می آمد و قابل تقدیر بود، رشد فزاینده ی اعتراضات کارگری و هم چنین تلاشی که فعالین کارگری و کارگران جهت ایجاد تشکلات مستقل کارگری از خود نشان دادند که نقداً می شود به کمیته ی پیگیری و کمیته ی هماهنگی که خودتان هم از فعالینش هستید اشاره کرد. آیا می شود امیدوار بود یا اصلاً این تلاش در سال گذشته شد که از طرف همین کمیته های مستقل کارگری که ایجاد شده یا در آینده گسترش پیدا خواهد

کرد این اعتراضات کارگری سازماندهی بشود و از آن شکل منفرد و انفعالی خودش در بیاید.

### محسن حکیمی

**جواب:** این انتظار را البته می توان داشت به شرطی که به هر حال فعالان کارگری همت بگمارند آستین ها بالا بزنند و در جهت این موج اعتراضی که وجود دارد اقدام بکنند، برای سازماندهی این حرکت.

در سال گذشته، پیرو سال های قبل هم به هر حال یک اعتراضات کارگری افزایش، صورت تصاعدی داشت و در جهت همان اعتراض نسبت آن تشدید استثماری که از نیروی کار ارزان می شود که به صورت کار قراردادی، که خود کارگران آن را نوعی بردگی مدرن می نامند. در جهت بی حقوقی مطلق که حاکم است بر جنبش کارگری، به هر حال اعتراضات صورت گرفت، منتها آن واکنشی که از طرف فعالان کارگری داده شد، کفاف و برخورد مناسبی که باید صورت می گرفت انجام نشده هنوز به نظر من یعنی هنوز هم ما به هر حال رهبری این حرکت ها در سطح جریان هایی که واقعاً نماینده واقعی طبقه کارگر باشند نیست، ما نمونه هایی، الآن همین صحبت هایی که خاتم خراسانی نشان می دهد که ما باز هم، به هر حال با این روبرو هستیم که، گویا این شوراهایی که شوراهای اسلامی کار گویا اینها نماینده های کارگری هستند در حالی که چنین نیست، و این مسأله ای که در اصفهان اتفاق افتاده ایشان اشاره کردند، این از تضادهایی است که بین شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر اتفاق افتاده و این هیچ ربطی به نمایندگی نیروهای واقعی و نمایندگان واقعی طبقه کارگر ندارد.

این نشان می دهد که به هر حال گرایشات و کمیته هایی که شکل گرفتند هنوز به آن حد از وسعت کار و آن حد از ظرفیتی که بیانگر نماینده کارگران دارد هنوز واقعاً به آن جا نرسیده و طبیعی است که این تلقی به وجود بیاید که به هر حال این شوراها کارگران را نمایندگی می کنند در حالی که، به نظر من چنین نیست و در واقع این

شکاف و شقاقی که اتفاق افتاده نشان دهنده ی رسوایی بیش از حد خانه کارگر است و شوراها ی اسلامی به مثابه بخشی که تا حالا گره خورده بود از این جریان دارد فاصله می گیرد، ولی متأسفانه از آن جایی که جریان رادیکال و جریانی که طبقه کارگر را نمایندگی بکند، هنوز در سطح جنبش کارگری شناخته نشده، دولت و وزارت کار از این مسأله سوءاستفاده می کنند و سعی می کنند روی موج اعتراضات کارگری سوار بشوند و همان جوری که در دولت قبلی و آن وزیر کاری که عضو حزب مشارکت بود سعی می کرد بهره برداری بکند به نفع خودش الآن این وزیر جدید که به هر حال عضوی از جناح راست است همان کار را، منتها به سود جناح راست می کند.

این بحث به هر حال اختلافاتی که به وجود آمده به نظر من از این مقوله است. و این بحثی که باز هم خانم خراسانی کردند که در یازده محور این طور که اشاره کردند. کارخانه ها به دست خود کارگران اداره می شود، من این طور تلقی ندارم، من هیچ کارخانه ای سراغ ندارم در هیچ محوری در تهران که به دست خود کارگران اداره بشود.

عرض کردم که بحث شوراها ی اسلامی کار با بحث نمایندگان واقعی طبقه کارگر متفاوت است، حرکت هایی در این جهت، در جهت استقلال جنبش کارگر از این جریان های دولتی شروع شده ولی این جریانات به نظر من هنوز در حالتی نیستند که خودشان را نمایندگان جنبش کارگری بدانند. در واقع به فقره می شود در سال های اخیر اشاره کرد که اینها در واقع در جهت مطرح شدن جریانات مستقل و کارگری هستند، یکی حرکت اول ماه مه در سقز بود و حرکت اخیر هم، اعتصاب شرکت واحد است. که اینها را به مثابه فرض هایی از حرکت هایی که از طرف جریان هایی مستقل از دولت صورت می گیرد اشاره کرد در غیر این صورت جریانات دیگر را من به عنوان نماینده ی طبقه کارگر نمی شناسم.

**سؤال:** آقای مازیار رازی شما می دانید که فعالین و علاقه مندان به جنبش کارگری در خارج از کشور در انعکاس خبرهای کارگری و تحولاتی که در داخل کشور بود نزد مجامع بین المللی کار و سندیکاها کارگری کشورهای مختلف بسیار کوشا بودند، این تلاش ها اساساً هم وزن حرکت هایی بود که در داخل کشور می افتاد، فکر نمی کنید که خلاء یک یا چندین تشکیلات منسجم تشکیلاتی که نه حول برنامه مشترک بلکه حول اقدام مشترک در عمل های مشخص فکر نمی کنید که احساس می شد و در این مورد آیا کاری انجام شد یا نه؟

### مازیار رازی

**جواب:** در ارتباط با فعالیت هایی که به عنوان فعالیت های همبستگی با جنبش کارگری در خارج از کشور شکل می گیرد واضح است که مبارزات هم وزن خود طبقه کارگر در داخل ایران نیست و به هیچ وجه مایل یا هدفش این نیست که جایگزین کند یا اصولاً تغییرات کیفی از، خارج از کشور از طریق همبستگی برای مبارزات طبقه کارگر ایجاد کند. مسأله ای که اینست که ما اکنون از دوران بسیار حساسی گذار می کنیم. یک دوران انتقالی از یک سلسله مبارزاتی که از روی استیصال توسط طبقه کارگر صورت کی گرفت به به یک سری مبارزات برنامه ریزی شده و هدفمند و با تدارکات قبلی.

این دوران، دوران حساسی است. از سوی دیگر، دولت سرمایه داری ایران سال هاست که گرایش هایی به طرف دول غربی پیدا کرده، و اگر این جدال و جنگ زرگری فعلی را کنار بگذاریم، گرایش به سوی هماهنگی با غرب در حال تدوین است. از این رو نقش فعالین خارج از کشور و هم چنین ارتباط آن ها با اتحادیه های کارگری و نیروهای مترقی و هم چنین نیروهای فعال کارگری در سطح جهانی بسیار مؤثر می تواند باشد. برای کمک رسانی، برای ایجاد تسهیلات برای مبارزات جنبش کارگری، و نه جایگزینی آن. از این نقطه نظر یک سلسله فعالیت هایی در گذشته

انجام شده در سال پیش، در سال ۲۰۰۴ یک کمپین بین المللی در دفاع از کارگران و فعالین سقز و فعالین اول ماه مه صورت گرفت که در سه قاره جهان در یک روز معین ده ها تظاهرات صورت گرفت در مقابل سفارت جمهور اسلامی در کشورهای مختلف و این تأثیرات مؤثری گذاشته (همچنین چند ماه پیش کمپین «کارگران ایران تنها نیستند» بر اساس یک اتحاد عمل نیروها و افراد اپوزیسیون چپ شکل گرفت - این قسنت اضافه شده است).

البته ارتباط گیری با اتحادیه های کارگری، صرفاً امضاءگیری ها نیست. واضح است که اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف، دچار انحرافات رفرمیستی و اینها وابسته به دول سرمایه داری هستند، ولی کماکان در خارج از کشور، اذهان عمومی نقش مهمی دارد و دولت هایی بورژوا دموکراتیک در این کشورها، می توانند تحت تأثیر اذهان عمومی فشارهایی به کشورهای نظیر ایران که در حال مذاکره و تبادل نظر هستند و می خواهند روابط اقتصادی ایجاد بکنند، فشار بگذارند. از این نقطه نظر این امضاء ها و این نوع تظاهرات و این نوع فعالیت ها صرفاً یک سلسله تسهیلات ایجاد می کند که می تواند توازن قوا را که در داخل ایران در شرف انجام است را بهتر کند.

از این گذشته دولت هایی هستند که در سطح جهانی ارتباط تنگاتنگ و نزدیک با دولت ایران دارند از جمله دولت ونزولا است. ما در خارج از کشور کوشش کرده ایم از طریق شبکه همبستگی کارگری که این اقداماتی صورت دهیم که اتحادیه های کارگری در ونزولا را رأساً ببینیم و تمام گزارش های کارگری را به زبان های اسپانیولی ترجمه کرده و به آنها بدهیم. یکی از بزرگ ترین اتحادیه های کارگری در ونزولا قرار گذاشته که قطع نامه ای علیه دولت سرمایه داری ایران صادر کند و در سطح جامعه ونزولا، که روابط حسنه ای که دولتش با دولت ایران دارد تبلیغ بکند و از این نقطه نظر فشارهایی بر دولت ایران وارد بیاید که به این شکل و به این ترتیبی که در گذشته مشاهده کردیم طبقه کارگر را سرکوب نکند. و این آغازی باشد برای

اینکه تناسب قوا، را که ما مدیون خود طبقه کارگر هستیم و دست تمام کارگران ایران را به گرمی می فشاریم برای از خودگذشتگی ها و مبارزات که در طی یک سال گذشته انجام دادند و این فعالیت های خارج از کشور تنها برای کمک رسانی برای ایجاد تسهیلات برای این تغییر قوا خواهد بود.

### ۲- در باره مسئله زنان

**سؤال:** نقش زنان در جنبش کارگری و اینکه اساساً زنان چه جایگاهی در جنبش کارگری دارند؟ واقعیت این است که ما فعال کارگری زن بسیار کم داریم و تشکلات کارگری زنان هم کم داریم و اساساً مشکل در کجای قضیه قرار دارد که زنان زیاد خودشان را در گیر مسائل روزمره ی کارگری نمی کنند؟

#### مریم خراسانی

**جواب:** قبل از این که به این سؤال شما جواب دهم در رابطه با صحبت های قبلی خودم توضیح بیشتری داده که در واقع پاسخی به مسئله ای است که آقای حکیمی طرح کردند.

در محیط های کارخانه ای و دانشگاهی و سایر محیط ها ی ایران همانطور که همه اطلاع دارید بدلیل اینکه انواع تشکل وجود نداشت فعالان حقیقی دانشجویی اجباراً در انجمن های اسلامی وارد شدند و بتدریج در انتخابات آن شرکت کردند و این انجمن ها در واقع ماهیتشان دگرگون شد به طوری که اخیراً پنج انجمن اسلامی در پنج دانشکده را از جمله دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت،

دانشکده روانشناسی، هنرهای زیبا و غیره تعطیل شدند و بطور موقت لغو امتیاز شدند بدلیل این که تشخیص داده شد که دیگر فعالیت های این ها اسلامی نیست.

به همین روال شوراهای اسلامی کار که بعد از انقلاب ابتدا نه به عنوان اسلامی بلکه به عنوان شوراهای کارخانجات مثل شوراهای مدارس و شوراهای دانشگاه ها و بقیه شوراهای که بعد از انقلاب اداره ی امور این واحدها را در دست گرفته بودند ایجاد شده بودند، بعد ها در قانون کار تحت عنوان شوراهای اسلامی کار مشغول به کار شدند ولی بتدریج با افزایش آگاهی کارگران و نفوذ کارگران مطلع تر و آگاه یعنی در این شوراهای، برخی از این شوراهای مثل انجمن های اسلامی دانشجویان تغییر ماهیت دادند و عملکردشان دیگر منطبق بر خواست های وزارت کار و دولت نبود. از جمله این شوراهای می توان به عنوان مثال از شورای صنایع فلزی در محور جاده ی قدیم کرج را که توسط کارگران حدود ۶ ماه است اداره می شود و ۳۳ درصد سهام این کارخانه را قبلاً کارگران گرفته بودند و بقیه در دست یک کارفرمای خصوصی بود که اکنون ۶ ماه است که این کارفرما را از این کارخانه بیرون کرده اند و همه ی کارخانه توسط کارگران اداره می شود و قراردادهای شورای کارگران با جاهای دیگر می بندد البته مالکیت رسمی بقیه سهام کارخانه همچنان در دست آن کارفرما است ولی در کارخانه هیچ نقشی ندارد و حتی از ورود او جلوگیری شده.

البته علیرغم کارشکنی هایی که اداره ی دارائی کرده که بعضی از این حساب های کارخانه را مسدود کند و یا شهرداری که در این کارخانه را پلمب کنند به دلیل بدهی های کارخانه، با مبارزه ی شورای کارگران کرده اند. فعلاً کارخانه سرپاست و کار تولید خود و بستن قراردادهای را ادامه می دهد.

کارگران دیگری هم در همین محورهای غرب از این تجربه و تجربه های مشابه در کارخانه های خود استفاده می کنند و در جهت قدرتمند شدن شوراهای خود و اداره ی کارخانه به تدریج از طریق خرید سهام و یا در دست گرفتن کارخانه به همین تجربه پیوندند که من این تجربه را از تجارب کارگران در ابتدای انقلاب که توسط شورای

کارخانه ها اعمال می شد، جدا نمی دانم و همین طور جدا نمی دانم از تجربه ی کارگران در سایر کشورها مانند آرژانتین و بعضی کشورهای آمریکای لاتین که در بحران فعلی مالکیت کارخانه ها و بحران فعلی تولید که بعد از اجرای پروژه ی لیبرالیسم نو و جهانی سازی سرمایه داری در کشورهای به اصطلاح جهان اتفاق افتاد در چنین موقعیت های بحرانی این امکان بوجود آمده که کارگران اداره ی کارخانه ها را در دست بگیرند و این تجربه به ایران هم منتقل شده به علاوه ی تجاربی که در ابتدای انقلاب بوده.

اینکه وزارت کار جلوگیری می کند از انتخابات شوراهای استان تهران در دوهفته ی گذشته دقیقاً به همین دلیل است که احساس می کند که آن هیئت نمایندگان قبلی شوراهای که همسو بود با وزارت کار دیگر در این دوره انتخاب نخواهند شد و با افزایش آگاهی کارگران نمایندگان جدیدی انتخاب می شوند که برای مسئله ی اضافه ی حقوق سال آینده کارگران با دست پر خواهند آمد و قدرت چانه زنی بالاتری خواهند داشت و به همین دلیل مانع برگزاری این انتخابات شد و حتی در جهت مخالفت هائی که (آی ال او) با مسئله ی کارگری در ایران دارد، (کارگران حق اعتصاب و حق تشکیل سندیکا ندارند) چون تشکیل سندیکا در ایران طبق قانون غیرقانونی است. می خواهند که اصلاحیه ای بر قانون کار بنویسند که خیلی چیزها را در این قانون عوض نمایند از جمله اینکه شوراهای هم همانطور که قبلاً گفتم شایعه ای است که شوراهای هم ملغی اعلام کنند و نه شورا و نه سندیکا بلکه یک تشکل جدیدی به اسم انجمن صنفی ایجاد نمایند. این اطلاعاتی است که من از طرف کارگران به من رسیده و حرف من نیست و تحلیل کارگران است و آنها نظرشان بر این است که شوراهای هم را دیگر در بسیاری از کارخانجات مورد تأیید وزارت کار نیست و به بهانه ی اینکه ما می خواهیم همسو با (آی ال او) رفتار بکنیم ممکن است که شوراهای هم تعطیل گردد. البته این به معنای آن نیست که سندیکاها قانونی گردند

بلکه همانطور که گفتم تحلیل کارگران این است که انجمن های صنفی به جای هم سنديکا و هم شورا قرار می گیرند.

امروزه کارگران به نظر من اسم تشکل نیست. بخاطر اینکه محتوای کار و محتوای مبارزه و محتوای اهدافی که کارگران پیش می برند حرف اول را می زند. وگر نه همانطور که گفتم با افزایش آگاهی در انجمن های اسلامی دانشجویان هم این انجمن ها هم دیگر انجمن های کارخانه ها ماهیت دیگری پیدا کرده اند. بنابر این مسئله ی جنگ حیدری و نعمتی برسر شورا یا سنديکا در ایران و در محیط های کارگری به نظر من جنگ بیهوده ای است و مسئله این است که اگر انواع تشکل کارگری می توانند ایجاد شوند و با قدرت عمل کنند همانطور که شورای کارخانه ی صنایع فلزی با قدرت عمل کرده و اداره ی کارخانه را در دست گرفته، هر تشکلی با هر نامی مهم این است که کارگران و نماینده هایشان با قدرت عمل بکنند و از تهدیدها نترسند و یا تطمیع نشوند و مسائل کارگری و محتوای این مبارزات را پیش ببرند.

همانطور که من دسته بندی کردم الان سه رده درخواست وجود دارد که آن رده ها را ما به اقتدارهای شرکت کارگران در اقتدارهای رسمی و سیاست رسمی و سیاست نهادینه نظر دارد و آن سیاست های میانی مربوط می شود فقط به حقوق صنفی و افزایش حقوق درخواست گرفتن حقوق موقعه یا شرکت نمایندگان کارگری در تنظیم آئین نامه ی قراردادهای موقت کاری در صورتی که کارگران در گذشته لغو قراردادهای موقت را اعمال می کردند امروز فقط دارند برای شرکت در تنظیم آئین نامه خودشان صحبت می کنند و این که دیگر پیمانکاری نباید بالای جان کارگران شود.

و درخواست های سطح بالا همانطور که گفتم این است که در این بحران فعلی نقش کارگران در اداره ی کارخانجات فزاینده تر گردد.

در مورد زنان هم باید بگویم که زنان در بعضی از شوراهای فعال هستند، از جمله در همین شورای صنایع فلزی یکی افراد شورا خانمی می باشد که بسیار مورد توجه کارگران قرار دارد و ضمناً با وجود اینکه تهدیدهای شده کارگران از او حمایت می کنند و این خانم در ۶ ماه گذشته بسیار تلاش نموده برای اینکه کل کارخانه توسط شورا اداره شود و تلاش های ایشان بسیار مثمر ثمر بوده و فعلاً در برابر اداره ی دارائی و هم شهرداری و هم وزارت کار ایستادگی کردند و البته بخشی از کار آنها نامه نوشتن برای مراجع مختلف بوده و اینکه شرح دادند که چطور کارفرمای قبلی با اعلام ورشکستگی کاذب قصد این را داشته که کارخانه را تعطیل کند و کارگران را با بستن قرارداد جدید عملاً نشان دادند که این واحد همچنان می تواند به کار خود ادامه دهد. ولی نقش چنین زنانی در چنین شوراهایی عمومیت نداشته و کم می باشد ولی وجود همین موارد معدود نشان می دهد که زنان می توانند در سطوح بالای تصمیمات کارگری شرکت داشته باشند و با افزایش آگاهی و با موانع و سختی هایی که در پیش رو دارند از پا ننشینند و هرچه بیشتر نقش خودشان را افزایش دهند.

البته جنبش زنان در ایران درکل می تواند در زنان کارگر بسیار مؤثر باشد و همانطور که در وضعیت دختران دانشجو و یا جنبش زنان پرستار بسیار مؤثر بوده و چند روز پیش در دانشکده ی پرستاری سمیناری بود راجع به جنبش پرستاری و اینکه جنبش پرستاری در رابطه با جنبش زنان قرار دارد و اکثریت جامعه ی پرستاران ایران زن هستند و ارتقاء آگاهی پیدا نموده و مسائلی را در نظام پرستاری طرح نمودند هم در مقابل نظام پزشکی و هم در مقابل دولت. و اینها همه در مجموع رشد رو به فزونی جنبش زنان را در عرصه های مختلف پرستاری، کارگری و دانشجویی و غیره نشان می دهد.

### ۳- در باره مسئله فرقه گرایی

**سوال:** آقای حکیمی بسیار دیده و شنیده شده، تشکل های مستقل کارگری که در داخل کشور به وجود می آیند متأسفانه بعد از مدت کوتاهی دچار اختلافات و چند دستگی می شوند، جنس این اختلافات از چه نوع است از عدم درک مشترکشان در شیوه ی سازماندهی است یا در عدم درک مشترک در گرفتن مطالبات خودشان است.

#### محسن حکیمی

**جواب:** ببینید به طور کلی می توان ۲ عامل را برشمرد برای اینکه تشکل های مستقل کارگری طی این سال های اخیر نتوانستند پا بگیرند. یکی اختناق و دیکتاتوری که به هر حال فضا را تنگ می کند برای اظهار نظر وجود نمایندگان مستقل کارگری و طبیعی است که آن ها نتوانند همین جور که اعضای تشکل های دولتی اظهار وجود می کنند، اینها نتوانند به عنوان نماینده های مستقل اظهار وجود بکنند.

یک عامل دیگر هم در درون خود فعالان کارگری وجود دارد به نظر من و آن هم در واقع انحراف یا شاید بتوان گفت بیماری فرقه گرایی است. به هر حال با وجود اینکه تا حدودی زوایای مختلف این بیماری شکافته شده ولی هنوز هم تأثیرگذار است در برخی از فعالان کارگری به طوری که با رویکرد و نگرش عمومی کماکان، گروهی به جنبش کارگری نگاه می کنند. یعنی به عنوان کسی که مأموریت دارد که فقط بیاد و عضوگیری یا بهتر است بگویم سربازگیری بکنه برای گروه مورد نظر خودش. این گرایش هم کمک می کند بر بستر آن دیکتاتوری و خفگانی که وجود دارد، اینکه به هر حال در جهت شکل گیری و شقه شقه کردن این جنبش و متفرق کردن، عمل بکند. این دو عامل را من می توانم برشمارم برای شما، موانعی که بر سر راه تشکل یابی جنبش مستقل کارگران وجود دارد.

**سؤال:** آقای رازی شما بیماری مزمن فرقه گرانی یا محفلیسم یا هر چیز دیگر را چطور می بینید؟

### مازیار رازی

**جواب:** بله، من با دو عامل که آقای محسن حکیمی به آن اشاره کردند توافق دارم، منتها یک عامل سومی هم وجود دارد و آن هم شامل فرقه گرایی که متأسفانه در درون خود پیشروان کارگری می باشد. واقعیت اینست که جامعه ی کارگری ما، مانند هر جامعه ای که در سطح جهانی وجود دارد، دارای گرایشات مختلف و متنوعی هست. مثلاً در داخل ایران ما گرایشات سندیکالیستی داریم که امروز دوستان کارگر اتوبوسرانی شرکت واحد، دارای این گرایش هستند و مبارزاتشان را بر این اساس انجام می دهند. گرایشات دیگری هم وجود دارند: از قبیل گرایشی که خواهان «لغو کار مزدی» می باشند و همین طور گرایش سوسیالیزم انقلابی و همین طور سوسیال دموکراسی و گرایشات آنارکوسندیکالیستی و آنارشویستی و رفرمیستی و انواع اقسام، تنوع بسیار زیادی از گرایشات وجود دارد و هر کدام با اهداف و چشم انداز و ساختار تشکیلاتی خودشان وارد مبارزه می شوند

بعضی ها خواهان ایجاد صرفاً یک سندیکا در داخل ایران هستند، و یا خواهان ایجاد اتحادیه های کارگری هستند. بعضی ها خواهان ایجاد تشکل مستقل کارگری ضد سرمایه داری هستند، بعضی ها خواهان ایجاد ساختن حزب پیشتاز انقلابی در کنار فعالیت های سندیکالیستی هستند، و بعضی ها احزاب خودشان را نقداً ساخته اند و خواهان عضوگیری و سرپازگیری هستند (به قول آقای حکیمی).

بنابر این این گرایشات را ما نمی توانیم از قبل کنار بگذاریم، با وجودی که در نهایت یکی از این گرایشات حرف درست را می زند و یک ساختار تشکیلاتی هست که در نهایت هدفمند است و در آئیه تأثیراتی را در سطح جامعه ی ایران خواهد گذاشت. منتها از ابتدا به ساکن، از امروز، ما نمی توانیم از طریق حذف گرایسی، از طریق

فرقه گرایی، در واقع از طریق تعیین اینکه طبقه کارگر چه نوع صحبت های چه نوع گرایشاتی را باید بشنود تعیین تکلیف کنیم. باید بگذاریم که طبقه کارگر تمامی این گرایشات را در یک محیط باز دمکراتیک حداقل در درون خود طبقه کارگر بشنود و تصمیم بگیرد که کدام گرایش و کدام نظریه، نظریه ای است که خودش را می خواهد به آن منطبق کند. کدام تشکیلات، تشکیلاتی هست که در واقع خودش را مرتبط به آن کند.

اگر انحرافات در ارتباط با انحرافات فرقه گرایانه در مورد احزاب مختلف وجود دارد تنها راه افشای این گرایشات این است که مجموعه ی این گرایشات وارد یک اتحاد عمل بشوند و طبقه کارگر در واقع در عمل این انحرافات را مشاهده کند. در شرایط کنونی هیچ کدام از این گرایشات، هیچ کدام از این تشکیلات، در موقعیتی نیستند که خودشان را محور کل جنبش کارگری قلمداد کنند و برای طبقه کارگر تعیین تکلیف بکنند و به کارگران بگویند که این نظر را شما باید قبول کنید این مطلب را باید دنبال کنید این موضوع را باید دنبال کنید. این کار در واقع خودش فرقه گرایی هست این در واقع عمق فرقه گرایی هست محصول متأسفانه طفولیت پیشرو کارگری در دوران کنونی است. من می خواستم یک مثالی بزنم در مورد این افتراقاتی که در سال گذشته بین نظریات سندیکالیستی و نظریات ضد سرمایه داری وجود داشته.

همین مسأله ۱۰ روز پیش را ما اگر ما در نظر بگیریم. فعالیت اتوبوسرانان سندیکالیست در داخل ایران بر اساس مطالبات صنفی مانند ایجاد تشکیل سندیکا و برای بازگرداندن کارگران اخراجی صورت گرفت. و هیچ نوع مطالبات ضد سرمایه داری یا دمکراتیکی در کار نبود. اما از دو هفته پیش وقتی این دوستان دستگیر شدند، شعار مرکزی اینها و شعار مرکزی کل جامعه ی کارگری مبدل شد به آزادی زندانیان سیاسی آزادی کارگرانی که در بند گشت. بنابر این این شعار یک شعار دموکراتیک است، یک فاز جلوتر رفت در عرض چند روز مجموعه ی طبقه کارگر به فاز مبارزه برای حقوق دموکراتیک کشیده شد. چند روز پس از آن برای نخستین بار

اعتصاب اتوبوس ران ها در تهران شکل گرفت. این مبارزه، دیگر یک مبارزه ی صنفی نیست، این مبارزه (حتی اگر خود سندیکالیست ها آگاه به این نباشند)، یک مبارزه ضد سرمایه داری است. بنابر این در عرض چند روز از یک سلسله مطالبات صنفی یک بخشی از جامعه به مبارزات ضد سرمایه داری کشیده شدند. بنابر این وجهه تمایز و این به اصطلاح افتراق ها و این ساختن کمیته های جدا از هم خودش فرقه گرایی هست. و خودش در واقع مسبب مسدود کردن راه و مسبب تشدید بحران است.

همان طور که می دانیم تظاهرات دیگری در استودیوم آزادی شکل گرفت. و امروز هم به هر حال به نوعی اعتراض از طریق چراغ روشن کردن در اتوبوس ها و این نوع فعالیت ها ادامه پیدا می کند. امروز براساس مبارزات سندیکالیست ها در داخل ایران ما وارد یک اتحاد عمل شده ایم. بدون اینکه اعلام شده باشد و بدون این که برنامه ریزی شده باشد. دیگر از اینکه مبارزه سندیکالیستی یا مبارزه ی ضد سرمایه داری، حداقل امروز در داخل ایران صحبت نیست. صحبت بین افتراق بین روشنفکر و کارگر نیست، صحبت بین کسی که می خواهد حزب بسازد یا کسی که از دل طبقه کارگر می خواهد فعالیت کند دیگر در کار نیست. صحبت بین خارج و داخل در میان نیست. در واقع افتراق ها برطرف شد، این نشان دهنده این است که منطق مبارزه طبقاتی در داخل ایران خواهان یک اتحاد عمل سراسری هست و هرگونه گرایشی که این راه را مسدود کند به هر علتی؛ خودش در محور این فرقه گرایی قرار گرفته است.

به نظر من امروز راه حل وجود دارد و این راه حل بر اثر تجربه ی مؤثر و بسیار ارزنده کارگران اتوبوسرانی به ما منتقل شده است. آن اینست که این اتحاد اعلام نشده و این اتحاد عمل در واقع از قبل پیش بینی نشده و برنامه ریزی نشده را ما سعی کنیم برنامه ریزی کنیم و سعی کنیم که در واقع دانمی کنیم. بهترین زمان این دانمی کردن این اتحاد سراسری در واقع اول ماه مه سال آتی است که امیدواریم تمام

این گرایش‌ها موجود در یک تشکیلات سراسری با یک نشریه سراسری و با یک تشکل سراسری حول مطالبات مشخصی که مورد توافق همه است، اما با حفظ دموکراسی درونی با حفظ حق بیان و حق گرایش فعالیت‌های خودشان را ادامه بدهند.

#### ۴- در باره مسئله دانشجویی

**سؤال:** شما تحلیل‌تان از جنبش دانشجویی و تلاشی که در جهت ارتباط‌گیری و حمایت از جنبش کارگری و جنبش زنان انجام داد چطور است؟

*مریم خراسانی*

**جواب:** ائتلاف بین جنبش‌ها و یا قبل از ائتلاف، ارتباط بین انواع جنبش‌ها سال‌ها است که در ایران مطرح است به ویژه بعد از برآمد و خیزش جنبش‌ها در سال‌های اخیر که هر جنبشی در جای خود فعالیت کرد و رشد کرد و لزوم ارتباط بین این جنبش‌ها و حمایت این جنبش‌ها از همدیگر طرح شد.

یکی از نقاط درخشان این پیوستگی و همبستگی را من تیرماه ۱۳۷۸ دیدم وقتی که کارگران صنایع نفت جنوب از جنبش دانشجویی حمایت کردند و همین‌طور جنبش زنان، یادآور مه ۶۸ بود برای من و اینکه بعد از آن انقلاب دانشجویی چطور جنبش کارگری، جنبش زنان و سایر جنبش‌ها همبستگی خود را با دانشجویان اعلام کردند. بعد از آن هم ما تحرکاتی در سطح دانشگاه‌ها دیدیم در حمایت دانشجویان از سایر جنبش‌ها، اخیراً از جنبش کردها و ترک‌ها به این شکل حمایت شده که برای یادگیری زبان کردی و ترکی دانشجویان سمینارهایی ترتیب بدهند و یا به مناسبت ۱۶ آذر گذشته در دانشگاه تهران دانشجویان ترک مراسمی داشتند که فارس‌ها حمایت کردند و به مناسبت روز کارگر هم ما از نمایندگان جنبش پرستاری، معلمان و

کارگران را در دانشگاه در میزگردی دیدیم و به هر حال این ارتباطات بوجود آمده و این حمایت ها بوجود آمده و به تدریج گسترده هم خواهد شد. شکل های عملی تر این همبستگی ها به این شکل است که هر جنبشی که هر درخواستی دارد، باید از طرف جنبش های دیگر حمایت گردد که این یک شکل کار است و شکل دیگر این که برای درخواست های عمومی که به کل مردم ایران تعلق دارد، همه با هم بر محورهای مشترک کارهای مشترک و مبارزات مشترک انجام دهند.

به نظر من دانشگاه امروز یکی از بهترین مکان ها و فضاهایی است که می تواند مسئله ی خودگردانی را که در عالی ترین سطح آگاهی ها در رادیکالیزم جهانی مطرح است در دانشگاه مطرح کند، آگاهی هائی که همه ی واحدها از دانشگاه گرفته تا مدرسه و بیمارستان و تا کارخانه همه جا به شکل خودگردان اداره شود و دانشگاه می تواند محلی باشد برای گسترش این آگاهی ها و از دانشگاه این آگاهی ها انتشار پیدا کند به همه ی سطوح جامعه بخاطر اینکه زمینه های عملی و عینی آن بوجود آمده. به عنوان مثال همین مثالی که آوردم نارضایتی وسیع پرستاران از اقتدار پزشکان در بیمارستان ها و سلسله مراتب موجود در بیمارستان ها و اینکه ۴ سال است که پرستاران نظام پرستاری را بوجود آورده اند در برابر نظام پزشکی و خود این یک جنبش ضد اقتدار است که می خواهد نظام درمانی بهداشتی جامعه را از اقتدار پزشکان درآورد و نقش مهم پرستاران را که اصولاً نادیده گرفته شده به عیان نشان دهد.

به هر حال دانشگاه ها می توانند مرکزی باشند برای اینکه انواع جنبش ها که درخواست های مختلف و تحلیل های مختلف خود را مطرح کنند و آگاهی های انتقالی را که دارند طرح می کنند و پا به عرصه ی ظهور و بروز بگذارد و محلی باشد بطور نمادین برای ارتباط بین این جنبش ها با هم که از سطح نمادین به سطح عملی و عینی تحقق این فعالیت ها و همبستگی ها را شاهد و ناظر باشیم.

**سؤال:** آقای حکیمی شما به عنوان نویسنده و کسی که به هر حال در مجامع علمی دانشگاهی هم رفت و آمد دارید چطور دیدید همبستگی جنبش بین جنبش کارگری و جنبش دانشجویی را و اساساً تحلیلتان از جنبش دانشجویی چه بود.

### محسن حکیمی

**جواب:** ببینید جنبش دانشجویی هم به نظر من گرایش‌های مختلفی در درونش هست، اگر سیر حرکت‌های دانشجویی را در سال‌های اخیر شما دنبال بکنید می‌بینید که در یک زمانی این دفتر تحکیم وحدت به هر حال نمایندگی می‌کرد و واقعاً پایه داشت توی دانشجویها، و بخش‌هایی از دانشجویان که حتی لانیک و چپ بودند اینها در قالب انجمن‌های اسلامی و زیر سایه‌ی همین تحکیم وحدت‌ها عمل می‌کردند.

وقتی به تناسب شکست این پروژه‌ی اصلاح‌طلبی و جریان ۲ خرداد، این جریان هم به نظر من پایش را به مقدار خیلی زیادی از دست داده و خود این جریان الآن در اپوزیسیون اصلاح‌طلبی قرار گرفته و دقیقاً به این دلیل که در واقع خودش را با آن جریان اعتراضی که در توی جنبش دانشجویی هست همسو بکند. یک نکته مهمی که باید این جا به آن اشاره کرد این است که جریان چپ جنبش دانشجویی اگر واقعاً تکیه نکند به جنبش کارگری، در مقابل این جریان‌های بورژوازی خلع صلاح می‌شود. دیگر آن زمان گذشت که چند سال پیش شاید بشود گفت که این جنبش کارگری و یا فعالان کارگری بودند که تکیه کرده بودند به جنبش دانشجویی و در واقع اعضای بیشتر این تشکل‌هایی که خودشان را نماینده‌ی طبقه کارگر می‌دانستند، اعضایشان را بیشتر دانشجویان تشکیل می‌دادند.

الآن به نظر من دارد مرکز ثقل این مبارزه طبقاتی درست آن جایی که باید منتقل بشود و آن هم قلب جنبش کارگری هست، بنابر این جنبش دانشجویی اگر می‌خواهد در واقع استحکام پیدا بکند راهی ندارد جز اینکه به جنبش کارگری تکیه بکند و این سوالی را هم که شما کردید من خوشبختانه گرایش‌هایی را هر چند ضعیف

## نگاهی به جنبش های اجتماعی در ایران

می بینم توی دانشجویان که اینها به درستی تشخیص می دهند که آن سمت و سویشان را هماهنگ و منطبق می کنند با طپش هایی که در جنبش کارگری هست و در واقع خودشان را گره می زنند به جنبشی که در واقع تعیین کننده سرنوشت جامعه است به نظر من. چون در این صورت است که جنبش دانشجویی می تواند نقش تعیین کننده ای در سرنوشت سیاسی جامعه در پی داشته باشد یعنی در صورت گره زدن مبارزه خودش با مبارزه طبقه کارگر، این گرایش هایی که به صورت محافل دیده می شود این جا و آن جا و اینها جای امیدواری است ولی هنوز ضعیف است.

### در باره محاکمات فعالین اول ماه مه

**سؤال:** آقای حکیمی به عنوان آخرین مطلب از جانب شما مقداری هم در مورد وضعیت و حکمی برایتان صادر شده بگویند، وضعیتی که در دادگاه برایتان پیش آمد به مناسبت برگزاری اول ماه مه سال ۲۰۰۳.

### محسن حکیمی

**جواب:** بله، همان چیزی که دوستان ممکن است اطلاع داشته باشند این است که حدود یکی، دو ماه پیش، حکم هایی به ما ابلاغ شده در مورد ۷ نفر، دو.... (تبرئه شدند)، پنج نفر دیگر به زندان از دو سال تا پنج سال محکوم شدند. این احکام با اعتراض ما روبرو شده و تقاضای تجدید نظر کردیم، وکلای ما لوائح تجدید نظر را ارسال کردند به همان شعبه ی صادر کننده ی رأی، این شعبه، این لوائح را به شعبه ی تجدید نظر در استان، در مرکز استان برای اینکه مراکز... تجدید نظر در مراکز استان واقع هستند. یعنی الان پرونده ی ما پنج نفر در یکی از شعبات تجدید نظر سندانج است. تا آن جایی که من اطلاع دارم هنوز بررسی این تقاضای ما شروع

نشده و برای آن تعیین وقتی صورت نگرفته، در این مورد اعتراضاتی هم در داخل کشور و هم در خارج کشور شکل گرفته و اقشار مختلف مردم اعم از کارگران، دانشجویان، معلمان و حقوقدانان، نویسندگان، دانشکاهیان خواهان لغو این احکام شدند و آن‌ها را ناعادلانه دانستند.

**سؤال:** آقای رازی، آقای حکیمی به نقطه‌ی بسیار خوبی اشاره کردند و آن این است که جنبش دانشجویی آن بخشش که بخصوص تمایلات چپ دارند، اگر چنانچه خودش را به جنبش کارگری گره نزند و تکیه نکند در مقابل جریان‌های بورژوازی موجود در بین دانشجویان از بین خواهد رفت اخیراً مشاهده شده که اقداماتی جهت این پیوند زدن و یا حمایت از جنبش کارگری از سوی دانشجویان انجام گرفته شما اگر ممکن خیلی خلاصه بگوئید این اقدامات بیشتر احساسی بوده یا از این جهت بوده که دانشجویان به وزن اجتماعی و به این مهم دست پیدا کردند که باید خودشان را تکیه بزنند به جنبش کارگری.

### مازیار رازی

**جواب:** بله، به نظر من پیوند به مفهوم ادغام دو پدیده در یکدیگر هنوز صورت نگرفته، پیوند بین دانشجویان و جوانان و طبقه کارگر به اخص کلمه یا حتی پیوند بین اقشار دیگر تحت ستم جامعه با طبقه کارگر.

برای اینکه پیوند دانشجویی صورت بگیرد اول باید دو مانع اصلی خود دانشجویان باید به شکل مادی از آن عبور بکنند و این به شکل تصنعی نمی شود صورت بگیرد. مانع اول خوشبختانه عبور شده حداقل از طریق بخش عمده یعنی بخش تعیین کننده جنبش دانشجویی: یعنی گسست از اصلاح طلبی، این یک فازی بود، این یک گذرگاه بود که دانشجویان به تجربه و در عمل دریافتند که چشم انداز جنبش

دانشجویی در محافل درون دولت سرمایه داری امکان پذیر نیست و حتی از کسانی که در اپوزیسیون اصلاح طلبی بودند نیز گسست صورت گرفت. ولی ما امروز در فاز دوم این گرایش به جلو هستیم. در این فاز دانشجویی در واقع در عقاید سوسیال دموکراسی گیر کرده و برای مدتی و خوشبختانه این فاز هم دارد طی می شود و بسیاری از دانشجویها، (بخش تعیین کننده هنوز نیستند) و در حال گسست از سوسیال دموکراسی هستند. سوسیالی دموکراسی به وضوح محدودیت های خودش را دارد و ما در جامعه ی ایران به هیچ وجه نمی توانیم سرمایه داری به سبک کشورهای نظیر سوئد و آلمان و انگلستان داشته باشیم. دولت سرمایه داری به این شکل در ایران هرگز بوجود نخواهد آمد. این یک توهم است که دانشجویان از آن هم گسست خواهند کرد. پیوند با کارگران صورت نمی گیرد مگر اینکه این برش دوم هم صورت بگیرد و این برش دوم هم در واقع در حال شکل گیری است. این یک سوی قضیه است.

منتها آن طرف دیگر قضیه، برخورد طبقه کارگر و پیشروان جنبش کارگری به جنبش دانشجویی هست. این پیوند باید متقابل صورت بگیرد یعنی اگر شرایط عینی در درون جنبش دانشجویی آماده بشود برای این پیوند، پیشروان طبقه کارگر، رهبران عملی طبقه کارگر باید تضمین دهند که این پیوند صورت گیرد و آنرا رهبری کنند نه تنها دانشجویان را، بلکه جنبش زنان و انواع اقسام مختلف را. واضح است که اگر در درون پیشروان افتراق وجود داشته باشد یا چند دستگی وجود داشته باشد این نمودار بسیار خوبی برای طبقه ای که پرچمدار مبارزات ضد سرمایه داری خواهد بود، نیست؛ و پیوند با سایرین صورت نخواهد گرفت. بنابر این پیوند دو پدیده یک امر متقابل است. طبقه کارگر پیشروان طبقه کارگر باید نشان بدهند در عمل که یک پارچه هستند و در اتحاد عمل هستند، افتراق در درونشان نیست. در درونشان دموکراسی هست. در درونشان پذیرش حق گرایش هست و در واقع آنها باید فرا بخوانند تمام اقشار جامعه را به این اتحاد، دانشجویان و ملیت های تحت ستم، گُردها،

بلوچ ها... و زنان جامعه را به یک پرچم کار مشترک علیه دولت سرمایه داری برای تحقق خواست ها و مطالبات اولیه شان.

آنچه امروز وجود دارد صرفاً اقدامات انسان دوستانه یا می توانیم اسمش را بگذاریم اقدامات همبستگی وجود دارد و نه پیوند بین دانشجوی و کارگر. این همبستگی پیوند نخواهد بود تا زمانی که شرایط مادی آن آماده بشود.

تشکر از شما شرکت کنندگان عزیز و روز خوبی را برایتان آرزو می کنم

مصاحبه کننده: ربیع نیکو- رادیو همبستگی

۱۷ دی ۱۳۸۴

۷ ژانویه ۲۰۰۶

متن بالا از روی نوار ضبط شده در سایت رادیو همبستگی پیاده شده است. برخی اصلاحات جزئی برای روان شدن مطلب وارد شده است.

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharzarri@yahoo.com](mailto:yasharzarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

۹ ژانویه ۲۰۰۶